



«شهید هاشمی، کمیته و جنگ» در گفت و شنود شاهد یاران با سردار قاسم قاسمی

دردم
فعالیت‌های شهید هاشمی در دوران قبل از انقلاب و سپس در کمیته ۹ چندان مورد بازیابی و پژوهش قرار نگرفته و تحت تاثیر حماسه آفرینی‌های وی در خرمشهر و به‌ویژه آبادان، مغفول مانده است. در این گفتگو به این دوران از حیات شهید اشاراتی شده است.

بسیار باهوش بود...

سید مجتبی نادرترین فردی بود که بین مسئولین، بعد از آقای خسروشاهی و آقای رستمی، از نظم و انضباط خاصی برخوردار بود. نیروهایی هم که تحت نظارت ایشان بودند، توانستند تحت نظر او آموزش‌های خوبی ببینند.

چه آموزش‌هایی؟

آموزش برخورد با مردم مهم‌ترین آنها بود. این خواسته خود امام بود که با مردم برخورد تند و خشنی صورت نگیرد، حتی با افراد مشکوک هم تا زمانی که مشخص نشده بود اینها واقعا جزو نیروهای ضد انقلاب هستند، برخورد تندی صورت نمی‌گرفت. سید مجتبی در این قضایا، هم نیروی باهوشی بود و هم به مسائل نظامی وقوف داشت. از هیکل و تیپ خوبی برخوردار بود و ابهتش نیروها را می‌گرفت. او در این قضایا در آن شرایط بسیار موفق بود. یادم می‌آید که اولین رژه‌ای را که قرار بود در مقابل حضرت امام انجام شود، سید مدیریت کرد. این رژه در تهران انجام شد و او و سید مجتبی ارتباط خوبی با مردم داشتند و آدمی مردم‌دار و بسیار خوش برخورد بود. کمیته منطقه ۹ هم نظم بسیار خوبی داشت و توانسته بود با مدیریت ایشان، در آن مقطع برای برقراری نظم و امنیت، خدمات خوبی را عرضه کند.

منطقه ۹ در آن زمان شامل چه محدوده‌ای می‌شد؟ منطقه ۹ طیف وسیعی از شهر، از میدان حر تا میدان خراسان و میدان فردوسی را در بر می‌گرفت. وقتی آیت‌الله مهدوی کنی از طرف امام منصوب شدند، یا

خود امام کسانی را منصوب کردند، برای مثال در منطقه ۱ آقای شاه‌آبادی بودند و آقای ایروانی و... هر کدام از بزرگان کشور مسئولیتی داشتند. سرپرستی منطقه ۹ هم به عهده مرحوم آیت‌الله خسروشاهی گذاشته شد.

نقش شهید هاشمی در کمیته چه بود؟

خود امام کسانی را منصوب کردند، برای مثال در منطقه ۱ آقای شاه‌آبادی بودند و آقای ایروانی و... هر کدام از بزرگان کشور مسئولیتی داشتند. سرپرستی منطقه ۹ هم به عهده مرحوم آیت‌الله خسروشاهی گذاشته شد.

نقش شهید هاشمی در کمیته چه بود؟

خود امام کسانی را منصوب کردند، برای مثال در منطقه ۱ آقای شاه‌آبادی بودند و آقای ایروانی و... هر کدام از بزرگان کشور مسئولیتی داشتند. سرپرستی منطقه ۹ هم به عهده مرحوم آیت‌الله خسروشاهی گذاشته شد.

نقش شهید هاشمی در کمیته چه بود؟

خود امام کسانی را منصوب کردند، برای مثال در منطقه ۱ آقای شاه‌آبادی بودند و آقای ایروانی و... هر کدام از بزرگان کشور مسئولیتی داشتند. سرپرستی منطقه ۹ هم به عهده مرحوم آیت‌الله خسروشاهی گذاشته شد.

نقش شهید هاشمی در کمیته چه بود؟

خود امام کسانی را منصوب کردند، برای مثال در منطقه ۱ آقای شاه‌آبادی بودند و آقای ایروانی و... هر کدام از بزرگان کشور مسئولیتی داشتند. سرپرستی منطقه ۹ هم به عهده مرحوم آیت‌الله خسروشاهی گذاشته شد.

نقش شهید هاشمی در کمیته چه بود؟

خود امام کسانی را منصوب کردند، برای مثال در منطقه ۱ آقای شاه‌آبادی بودند و آقای ایروانی و... هر کدام از بزرگان کشور مسئولیتی داشتند. سرپرستی منطقه ۹ هم به عهده مرحوم آیت‌الله خسروشاهی گذاشته شد.

نقش شهید هاشمی در کمیته چه بود؟

خود امام کسانی را منصوب کردند، برای مثال در منطقه ۱ آقای شاه‌آبادی بودند و آقای ایروانی و... هر کدام از بزرگان کشور مسئولیتی داشتند. سرپرستی منطقه ۹ هم به عهده مرحوم آیت‌الله خسروشاهی گذاشته شد.

نقش شهید هاشمی در کمیته چه بود؟

خود امام کسانی را منصوب کردند، برای مثال در منطقه ۱ آقای شاه‌آبادی بودند و آقای ایروانی و... هر کدام از بزرگان کشور مسئولیتی داشتند. سرپرستی منطقه ۹ هم به عهده مرحوم آیت‌الله خسروشاهی گذاشته شد.

نقش شهید هاشمی در کمیته چه بود؟

خود امام کسانی را منصوب کردند، برای مثال در منطقه ۱ آقای شاه‌آبادی بودند و آقای ایروانی و... هر کدام از بزرگان کشور مسئولیتی داشتند. سرپرستی منطقه ۹ هم به عهده مرحوم آیت‌الله خسروشاهی گذاشته شد.

نقش شهید هاشمی در کمیته چه بود؟

خود امام کسانی را منصوب کردند، برای مثال در منطقه ۱ آقای شاه‌آبادی بودند و آقای ایروانی و... هر کدام از بزرگان کشور مسئولیتی داشتند. سرپرستی منطقه ۹ هم به عهده مرحوم آیت‌الله خسروشاهی گذاشته شد.

نقش شهید هاشمی در کمیته چه بود؟

خود امام کسانی را منصوب کردند، برای مثال در منطقه ۱ آقای شاه‌آبادی بودند و آقای ایروانی و... هر کدام از بزرگان کشور مسئولیتی داشتند. سرپرستی منطقه ۹ هم به عهده مرحوم آیت‌الله خسروشاهی گذاشته شد.

نقش شهید هاشمی در کمیته چه بود؟

خود امام کسانی را منصوب کردند، برای مثال در منطقه ۱ آقای شاه‌آبادی بودند و آقای ایروانی و... هر کدام از بزرگان کشور مسئولیتی داشتند. سرپرستی منطقه ۹ هم به عهده مرحوم آیت‌الله خسروشاهی گذاشته شد.

نقش شهید هاشمی در کمیته چه بود؟

خود امام کسانی را منصوب کردند، برای مثال در منطقه ۱ آقای شاه‌آبادی بودند و آقای ایروانی و... هر کدام از بزرگان کشور مسئولیتی داشتند. سرپرستی منطقه ۹ هم به عهده مرحوم آیت‌الله خسروشاهی گذاشته شد.

نقش شهید هاشمی در کمیته چه بود؟

خود امام کسانی را منصوب کردند، برای مثال در منطقه ۱ آقای شاه‌آبادی بودند و آقای ایروانی و... هر کدام از بزرگان کشور مسئولیتی داشتند. سرپرستی منطقه ۹ هم به عهده مرحوم آیت‌الله خسروشاهی گذاشته شد.



قرار گرفت، نه ارتش می توانست به تنهایی این تکلیف را ادا کند و نه سپاه پاسداران که به تازگی تشکیل شده بود، به تنهایی از عهده این کار برمی آمد و بیشتر نیروها مردمی بودند که یک عده در قالب فداییان اسلام و یک عده در قالب کمیته اسلامی به میدان آمدند.

سید مجتبی گروه فداییان اسلام را تشکیل داد که آقای خلخالی رهبری آن را بر عهده داشت. هدف همه این بود که از ورود دشمن جلوگیری شود و محکم در مقابل حزب بعث بایستند و اینکه در چه لباسی و به چه ترتیبی این کار را انجام بدهند، اهمیت چندانی نداشت. خود من هم حساسیت زیادی به این قضیه نداشتم، چون همه اینها از یک نفر دفاع می کردند و آن هم حضرت امام بود.

سید مجتبی اینها را سازماندهی کرد که کار بسیار سختی بود. اینها وارد مسجد جامع شده بودند و در عین حال که آشپزی می کردند، باید به کسانی هم که مجروح شده بودند، امداد می رساندند. اسلحه های اینها هم از نوع بسیار سبک بود. مردم سعی داشتند خرمشهر را رها نکنند و بسیار مقاومت کردند. یعنی ها نصف پل خرمشهر را زده بودند و نصف دیگرش مانده بود.

انسان تا در آن شرایط قرار نگیرد، مشکل بتواند این مسائل را درک کند. برای آب مشکل داشتیم و تجهیزات هم نداشتم. گرمای خوزستان انسان را هلاک می کرد و ما مجبور شدیم از داخل خانه ها حرکت کنیم و کانال بزینم تا آسیب کمتری ببینیم. صدام با همه امکاناتش سعی داشت شب ها خرمشهر را زیر سنگین ترین آتش ها بگیرد تا صبح بتواند وارد خرمشهر شود. خرمشهر بسیار خوب مقاومت کرد و از پیرمرد تا نوجوان ۱۷ ساله جنگیدند. اینها آموزش خاصی هم ندیده بودند و تنها از روی اعتقاد به اسلام و امام بود که ایستادگی و از کشورشان دفاع کردند. در آن مقطع که ما با مشکلات عدیده ای دست به گریبان بودیم، کشور اردن و سودان هر یک برای صدام یک تیپ اعزام کرده و کشورهای دیگر عربی هم امکاناتی را در اختیار صدام قرار داده بودند. سید مجتبی هاشمی وارد خرمشهر شد و اطراف گمرک را با نیروهای خودش تحت پوشش قرار داد. این محور، بسیار حیاتی بود و بحمدالله موفق هم بود. ■



دو تا بمب افتاده که عمل نکرده بود و بچه ها توانستند آنها را خنثی کنند. آن شب حال خوبی نداشتم و در جلسه ای که داشتیم قرار شد که سید مجتبی همان شب و یا در اولین فرصت عازم جنوب کشور و اهواز شود. ما همان شب همراه شهید عازم اهواز شدیم و فردای آن روز رسیدیم. در مسیر خرمشهر زیر آتش سنگین توپخانه صدام بودیم. جنگ هم هوایی بود و هم زمینی و وسیله ای و ماشینی نبود که نیروها به عقب برگردند.

از آن طرف هم صدام خودش را برای ورود به خوزستان آماده کرده بود و فکر می کرد در ظرف ۲۴ ساعت می تواند خوزستان را تصرف کند. نزدیک ظهر بود که رسیدیم به خرمشهر و آتش دشمن به قدری سنگین بود که برای نیروهایی که سید مجتبی را همراهی می کردند، پیشروی مقداری سخت بود. ارتش هم نیروی چندانی در منطقه نداشت. تعدادی نیروهای تکاور و تعدادی هم نیروهای ژاندارمری بودند، ولی بیشتر نیروهای مردمی بودند. سید مجتبی طی دیداری که با شهید جهان آرا داشت، اداره قسمتی از سمت گمرک و پلیس راه که به شدت مورد هدف بود، به عهده گرفت و نیروهای فداییان اسلام را مستقر کرد. **آیا گروه فداییان اسلام قبل از جنگ شکل گرفته بود، یا با وقوع جنگ شکل گرفت؟**

در رأس کشور که حضرت امام بودند و وقتی تکلیف کردند همه بروند و از کشور دفاع کنند، وظیفه برعهده همه

سید مجتبی هاشمی با اعتقاد و مذهبی بود و پدر و مادرش هم به مسائل دینی، خیلی پایبند بودند. آدم بسیار باهوشی بود و درک درستی از وضعیت قبل از انقلاب داشت. همیشه خودش را سرباز امام می دانست و خدمات بسیار ارزنده ای را انجام می داد.

کشور و به درد کمیته و لباس پاسداری نمی خوردند، به قانون احترام نمی گذارند و دیدگاه اسلامی ندارند و با خواسته امام که از پاسداران به عنوان فرزندان خود یاد می کردند، خیلی مغایرت داشتند. سید در پاک سازی نیروهایی که شایسته پاسداری نبودند، نقش خوبی داشت و طوری برخورد می کرد که مردم احساس امنیت می کردند. اگر کسی دلشکسته بود یا مشکلی داشت، سید سعی می کرد به نوعی مشکل او را بر طرف کند و با برخورد مناسبی که داشت، از مشکلات کم می کرد.

از ویژگی های شهید هاشمی نکاتی را ذکر کنید.

سید مجتبی هاشمی با اعتقاد و مذهبی بود و پدر و مادرش هم به مسائل دینی، خیلی پایبند بودند. آدم بسیار باهوشی بود و درک درستی از وضعیت قبل از انقلاب داشت. همیشه خودش را سرباز امام می دانست و خدمات بسیار ارزنده ای را انجام می داد. در جمع کردن بچه ها نقش خوبی داشت و توانست طیف هائمی را با انقلاب و به جبهه جذب کند که از دست دیگران بر نمی آمد.

عملکرد شهید هاشمی در جنگ چه بود؟

بعداظهر ۳۱ شهریور، با سید مجتبی هاشمی در کمیته بودیم که صدام به فرودگاه مهرآباد حمله کرد. صدای انفجارها بسیار مهیب بود. ما با نیروها عازم فرودگاه شدیم و دیدیم نزدیک شهرک اکباتان یکی

